



پول مثلی یا قیمی؟

پدیدآورنده (ها) : حسینی کلشتری، مهنروش

حقوق :: نشریه شهر قانون :: زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۱۶

صفحات : از ۲۸ تا ۳۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1375671>

تاریخ داندود : ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

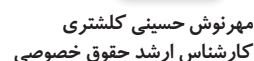


- ماهیت پول، از جهت مثلی یا قیمی بودن
- ماهیت پول از منظر فقه اسلامی
- جبران کاهش ارزش پول اعتباری و دوگان مثلی- قیمی؛ نگرشی موضوع‌شناسانه
- پول امروز، مثلی یا قیمی یا ماهیت سوم؟
- اعتبار ذاتی سیره عقلا
- ماهیت پول و جبران کاهش ارزش آن در فقه امامیه و حقوق ایران
- مروری بر ماهیت شناسی پول و دیدگاه فقیهان
- رابطه ی مثلی و قیمی با جبران کاهش ارزش پول
- بلوغ دختران
- نظریه انسداد و منزلت عقل
- اهانت به مقدسات دینی در حقوق ایران و انگلیس
- مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران؛ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین

عناوین مشابه

- ماهیت پول، از جهت مثلی یا قیمی بودن
- پول امروز، مثلی یا قیمی یا ماهیت سوم؟
- رابطه ی مثلی و قیمی با جبران کاهش ارزش پول
- عدم موضوعیت حکم مثلی و قیمی در مسئله جبران کاهش ارزش پول
- جبران کاهش ارزش پول اعتباری و دوگان مثلی- قیمی؛ نگرشی موضوع‌شناسانه
- پول شویی یا سرمایه داری جنایی
- پول حاکم است یا محکوم
- رشد بانک‌های خصوصی، تسلط بر بازار پول یا ایجاد فضای رقابتی؟
- نقدی بر نظریات فقهی و حقوقی لزوم یا عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول ناشی از تورم
- هزینه طراحی؛ راهگشا یا مایه اتلاف پول

A 3x3 grid of images illustrating the concept of money. The images include: a hand holding a fan of banknotes; a stack of banknotes; a fan of banknotes; a hand holding a fan of banknotes; a hand holding a single banknote; a fan of banknotes; a fan of banknotes; a hand holding a single banknote; and a fan of banknotes. The banknotes are from various countries, including the United States, the United Kingdom, and the Eurozone. The coins are also from various countries, including the United States and the Eurozone.



۲

۳

p

تعریف مال

مذکور در مورد هر دو نوع پول حقیقی و اعتباری صادق است.^(۲)

در اصطلاح فقهی هر چیزی که بهای کالاها یا خدمات قرار گیرد، ثمن (پول) شمرده می‌شود. پول، چیزی است که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص باشد یا چیزی است که ارزش مصرفی آن، در ارزش مبادله‌ای آن است.^(۳)

سیر تاریخی پول

برای شناخت ماهیت پول در ابتدا به تعریف و بیان سیر تاریخی پیدایش آن و سپس در این راستا و برای تبیین ضمان کاهش ارزش اسکناس به بررسی مال، مادی یا غیر مادی و مثلی یا قیمی بودن اسکناس و در نهایت ضمان کاهش ارزش پول و نظریات پیرامون موارد ذکر شده پرداخته می‌شود.

تعریف یول

تعاریف متعددی از پول ارائه شده است: تعریف قانونی پول، تعریف پول با اتکاء به مصادیق آن، تعریف پول با اتکاء به وظائف آن و تعریف پول با معیار مقبولیت عام آن برای وسیله مبادله شدن.^(۱)

تعریف پول بر اساس ماهیت آن عبارت است از: «هر چیزی که به عنوان واسطه پرداخت مورد قبول عمومی واقع شده است.» در تعریفی دیگر می توان گفت: «پول چیزی است که بیانگر و حافظ ارزش مبادله ای خالص باشد یا چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادلات آن است.» تعریف

را برآورده کند. ۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین را داشته باشد.^(۶) از دیدگاه دکتر لنگرودی، مال در اصطلاح، چیزی است که ارزش مبادله را دارا باشد.^(۷) دکتر امامی در تعریف مال بیان داشته‌اند، مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی، ارزش مبادله را داشته باشد.^(۸)

اما دیدگاه فقها در خصوص مال را از مباحث پیرامون بیع و معامله، می‌توان برگرفت.^(۹) علامه حلی در این خصوص بیان داشته‌اند: «معامله چیزی که هیچ سودی ندارد، مانند یک یا دو دانه گندم، درست نیست زیرا چنین چیزی، مال شمرده نمی‌شود تا در برابرش، مال پرداخت.»^(۱۰) شیخ طوسی در شرایط میبیع بیان کرده‌اند: «اگر از چیزهایی باشد که هیچ‌گونه سودی از آن برده نمی‌شود، مانند شیر، گاو و حشرات، داد و ستد آن درست نیست و در این هیچ اختلاف نظری بین فقها وجود ندارد.»^(۱۱)

از نظر مقدس اردبیلی هر چیزی که دارای منفعت عقلایی باشد که شرع آن را حلال شمرده، اگرچه خیلی کم و نادر باشد، داد و ستدش درست است و مال شمرده می‌شود.^(۱۲)

از نظر صاحب جواهر، معامله چیزی که سود توجه کردنی ندارد، درست نیست و ایشان چنین چیزی را مال نمی‌دانند و مال را آن چیزی که دارای سود عقلایی و توجه کردنی باشد، می‌دانند.^(۱۳)

شیخ انصاری در کتاب مکاسب بیان کرده‌اند: «داد و ستد چیزهایی که سود عقلایی و شرعی نداشته باشند، درست نیست.» از نظرات فقها این نتیجه حاصل می‌گردد که مال، چیزی است که از نگاه عرف و عقلا، مال شمرده شود.

پول، مال است

همان‌طور که گذشت، مال از مفاهیم عرفی است؛ لذا برای شناخت مال از غیرمال باید به عرف مراجعه کرد و بی‌هیچ تردیدی عرف و عقلا، پول را مال دانسته‌اند. همچنین از تعاریفی که حقوقدانان از مال ارائه داده‌اند، پول امروزی دارای ارزشی است که با آن می‌توان انواع کالاها و خدمات تولیدی ارزشمند را به‌دست آورد و با این ترتیب پول، مال است چرا که ارزش داد و ستدی بخشیدن به پول همان مالیت داشتن است. امام خمینی(ره) در این خصوص بیان

کرده‌اند: «پول‌های نقد، مانند اسکناس، دینار، دلار و غیر آنها دارای مالیت اعتباری هستند.»^(۱۴) آیت‌الله خویی نیز قائل به مالیت پول هستند.^(۱۵)

علاوه بر این، به‌طور کلی بسیاری از فقها مال بودن پول‌های جدید را پذیرفته همه فقها دانسته‌اند.^(۱۶)

پول، مال مادی

هر مالی که با یکی از حواس پنجگانه ادراک شود، مال مادی است و در برابر آن مال غیرمادی قرار دارد.^(۱۷)

در مادی یا غیر مادی بودن پول اختلاف نظر وجود دارد. مشهور که پول را سند نمی‌دانند، آن را مادی تلقی کرده‌اند؛ چراکه قابل درک با یکی از حواس است. برخی حقوقدانان معتقدند: «عناصر پول از قرار ذیل است: اول؛ شیء منقول مادی؛ خواه قیمتی باشد (مانند سکه نقره و زر) خواه نباشد مانند اسکناس...»^(۱۸)

در مقابل، گروه دیگری معتقدند که پول، مالی غیرمادی و اعتباری است.^(۱۹)

این دیدگاه بر این اساس استوار است که حقیقت و جوهر پول قدرت خرید است؛ لذا قدرت خرید را از حیث ویژگی‌های حقوقی می‌توان مورد بررسی قرار داد، نه اسکناس و از آنجایی که توان خرید، حقی غیرمالی است؛ بنابراین پول، مالی غیرمادی است. باید توجه داشت همان‌طور که بیان شد پول، مال است و قدرت خرید صرفاً مالیت و وصف موجب ارزش است؛ لذا در نظریه قدرت خرید خلط بین مفاهیم مال و مالیت شده است،

در حالی که در فقه امامیه بین مفهوم مال و مفهوم مالیت تمایز وجود دارد.^(۲۰) حال که بیان کردیم پول، مال است یا باید مثلی باشد یا باید قیمی باشد.

تعریف مثلی و قیمی

معنا و مفهوم مثلی و قیمی از سوی شرع بیان نشده است؛ بلکه این دو اصطلاح، از سوی فقیهان در باب ضمان، وارد فقه گردیده است؛ بنابراین ارتکازات عرفی در تعریف قیمی و مثلی دخالت دارد و به طبع عرف هر جامعه‌ای در هر زمان و مکانی متفاوت است.^(۲۱)

بنابراین اگر فقیهان در یک زمان، بر روی امری اجماع کردند که فلان چیز مثلی یا قیمی است، نمی‌توان آن را برای همه دوره‌ها ملاک قرار داد.^(۲۲)

برای مثلی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. برخی مثلی و قیمی را بر عهده عرف گذاشته‌اند.^(۲۳)

برخی دیگر نیز تساوی اجزا از نظر قیمت را ملاک قرار داده‌اند.^(۲۴)

گروهی داشتن نمونه‌های مشابه را ملاک دانسته‌اند.^(۲۵)

قانون مدنی، معیار را در مثلی یا قیمی بودن عرف دانسته است. قانونگذار در ماده ۹۵۰ چنین مقرر می‌دارد: «مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحو آن، قیمی مقابل آن است. معذالک تشخیص این معنی با عرف است.»^(۲۶)



بررسی مثلی یا قیمی بودن پول

نظر مشهور فقهی، پول را همچون مسکوکات طلا و نقره، مثلی می‌داند. هر چند در چیزهایی که پایه مثلی بودن پول است، اختلاف نظر دارند.^(۲۷)

برخی پول به اعتبار ارزش اسمی آن را مثلی می‌دانند. قائلین به این دیدگاه، پول کنونی را مثلی می‌دانند، در اوصاف ذاتی، نه نسبی و قدرت خرید را از اوصاف نسبی شمرده‌اند و آن را ضمان آور نمی‌دانند. آیت‌الله حائری در این خصوص بیان کرده‌اند: «اوصافی که از نظر عرفی، در مثلیت اشیاء تاثیرگذار است؛ یعنی مقوم مثلیت اشیاء هستند، فقط اوصاف ذاتی‌اند، نه اوصاف نسبی؛ بنابراین اگرچه پول کاغذی مثلی است، قدرت خرید مقوم مثلی در مثل قرض نیست.»^(۲۸)

عده‌ای پول به اعتبار قدرت خرید را مثلی می‌دانند. شهید صدر پایه‌گذار نظرات مشابهی است که پس از ایشان در این زمینه ارائه شده است. شهید صدر در این خصوص می‌گویند: «حفظ قیمت حقیقی وجوه نقدی از فوایدی است که سپرده‌گذار از قرض دادن وجوه نقدی به بانک بهره‌مند می‌گردد؛ چراکه پول‌های کاغذی اگرچه مثلی هستند ولی مثل آن پول‌های کاغذی که از حیث ظاهر مثل پول دریافت شده توسط بانک هستند، نیست بلکه آنچه که قیمت حقیقی این اسکناس‌ها را مجسم می‌کند، مثل پول‌های دریافت شده است، پس اگر بانک هنگام بازپرداخت آنچه که قیمت چیزی را که دریافت کرده مجسم می‌کند، بپردازد مرتکب ربا نشده است.»^(۲۹)

قدرت خرید در پول، تحت ضمان است. آیت‌الله شاهرودی معتقدند که قدرت خرید در پول، تحت ضمان است و نظر شهید صدر را این چنین تکمیل می‌کنند: «پول اعتباری از آن روی که به خودی خود دارای ارزش مصرفی نبوده و تنها در داد و ستد به کار می‌رود، ویژگی ارزش مبادله‌ای و توان خرید آن در نگاه عرف و عقلا همچون صفت حقیقی به شمار می‌آید و بدین‌سان، همانند دیگر صفات مثل خود به عهده می‌آید؛ البته اگر در رابطه با ماهیت و استواری پول از نظر قدرت و توان دولت صادرکننده آن باشد، نه در نتیجه اثرگذاری قاعده عرضه و تقاضای بازار؛ بنابراین هرگاه اعتبار دولت صادرکننده پول و توان اقتصادی‌اش کاهش یافته یا خود دولت دست به انتشار پول بیشتری بدون پشتوانه واقعی بزند، این دگرگونی نزد مردم مورد ضمان است؛ بنابراین، هم ویژگی جنس و هم قیمت و توان خرید از آن

روی که همگی از ویژگی‌های مثل هستند به عهده می‌آیند. برای همین است که بازپرداخت پولی از جنس دیگر نیز نادرست است، چنانکه افزایش مالیت و بهای این جنس از پول نیز از آن شخص صاحب حق (مضمون‌له) است؛ البته هرگاه کاهش ارزش پول در نتیجه گرانی همه یا بیشتر کالاها، بر اثر کمبودشان یا علت‌های دیگر باشد که نشانه آن افزایش قیمت کالاها در مقایسه با هرگونه پول است نه فقط پول یک کشور چنین کاهش در ارزش پول به عهده ضامن نمی‌آید چراکه این مالیت افزایش‌یافته ارتباطی به مالیتی که پول در عهده نشانگر آن است، ندارد.»^(۳۰)

برخی دیگر، قدرت خرید پول را از صفات مقوم مثلیت می‌دانند و نوشته‌اند: «ارزش و مالیت پول درست به اندازه قدرت خرید آنهاست و نه چیز دیگر؛ بنابراین جایگزین همسان پول دریافت شده یا از میان رفته، معادل خود آن پول در قدرت خرید و مبادله از همان نوع پول است.»^(۳۱)

برخی افراد، طولی پول را قیمتی و افرادی عرضی آن را مثلی دانسته‌اند. می‌توان افراد طولی پول را در صورتی که زمان نسبتاً طولانی باشد و اختلاف ارزش (قدرت خرید) آن فاحش باشد و از نظر عرف قابل اغماض نباشد قیمی به حساب آورد، گرچه افراد عرضی آن مثلی باشد؛ البته این در صورتی است که اختلاف ارزش و قدرت خرید پول در دو زمان مختلف در بازار قابل اغماض نباشد و گر نه مثلی خواهد بود؛ بنابراین فقها اگر پول را از مقوله مثلیات می‌دانند نظر آنها یا باید به افراد عرضی (همزمان) پول باشد یا به افراد طولی آن در صورتی که اختلاف فاحشی نداشته باشند.»^(۳۲)

نظریه قیمی بودن پول را در میان فقیهان، تنها آیت‌الله محمدهادی معرفت پذیرفتند و بیان کرده‌اند: «آنچه در پول معتبر است، مالیت آن است؛ یعنی ارزش کاربردی و توان خرید آن، مالیت همه اشیاء اعتباری است. منتها عرف و عقلا برخی را مثل طلا و نقره اصل قرار داده‌اند و بقیه را فرع یا یکی را به‌عنوان وسیله و ابزار برای مبادله و خرید و فروش کالاها دیگر قرار داده‌اند. این ابزار در گذشته طلا و نقره بوده است و امروز پول و اسکناس است و همواره عقلا به پول به‌عنوان یک ابزار که قدرت خرید دارد، نگاه کرده‌اند؛ بنابراین پول از قیمیات است.»^(۳۳)

عمده نظرات فقها در این باب بیان شد. از دیدگاه‌های بیان شده این نتیجه حاصل می‌شود که پول در دیدگاه عرف و عقلا،

مالی اعتباری است و همواره در طول تاریخ ابزاری برای داد و ستد بوده است، در نتیجه پول از مثلیات است و چندگانگی دیدگاه‌ها، تنها در خصوصیات و ویژگی‌هایی است که در ارزش و مالیت پول، مداخله دارد اما آنچه سبب میل و رغبت عقلا به پول می‌شود، در مثل بودن آن مداخله می‌کند و تنها، شکل، رنگ، اندازه و عدد نوشته شده در آن ملاک مثل بودن نیست.^(۳۴)

ضمان کاهش ارزش پول

در خصوص جبران کاهش ارزش پول دیدگاه‌های چندگانه‌ای وجود دارد. برخی از صاحب نظران و فقها معتقد به عدم جواز جبران کاهش ارزش پول هستند و آن را ضمان آور نمی‌دانند و بدهکار را ضامن مثل آن چیزی می‌دانند که بدهکار ضامن آن است و مثل در پول، با همان ارزش اسمی و عددی آن برابری می‌کند و پرداخت بیشتر از آن جایز نیست. از جمله دلایل آنها این امر است که: ۱- ملاک مثلی بودن پول، ارزش اسمی پول است. (آیت‌الله شیخ جواد تبریزی، آیت‌الله سیستانی و سیدکاظم حائری) ۲- جبران کاهش ارزش پول مصداق رباست. (آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله سبحانی) ۳- ضرر ناشی از کاهش ارزش پول از اراده وام‌دار بیرون است و ما نمی‌توانیم او را به جبران، وادار کنیم. ۴- اگر وام‌دار به کاهش ارزش پول ملزم باشد، قرارداد با جهالت بسته خواهد شد؛ چراکه زیادی افزون به طلبش روشن نیست و قراردادهایی که جهالت در آن باشد باطل و ممنوع است اما باید گفت دلایل ارائه شده مانع از جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول نیست؛ بخصوص در مواردی که طلبکار به ماندن دین بر ذمه بدهکار راضی نبوده است. در اینجا براساس قاعده «لاضرر» می‌توان به جبران خسارت حکم کرد و ربایی با پرداخت به اندازه ارزش واقعی نخواهد بود.

در مقابل، عده‌ای معتقد به لزوم جبران ارزش پول هستند. عده‌ای از فقها با این وجود که پول را مثلی می‌دانند اما جبران کاهش ارزش آن را لازم می‌دانند؛ چرا که توان خرید و ارزش داد و ستدی پول را در مثلی بودن، دخیل می‌دانند. به همین دلیل گفته‌اند که اگر ارزش پول کاهش یابد و بدهکار، همان اندازه را به طلبکار بدهد، مثل صدق نمی‌کند و باید به اندازه توان خرید زمان دریافت پول پرداخت شود تا مثل صادق باشد. (آیت‌الله محمدتقی بهجت و آیت‌الله صانعی) دلیل دیگری که

بیان شده است، جلوگیری از ضرر و زیان طلبکار است؛ اگر زیان زیاد و چشم‌گیر باشد. (آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی) کسانی که پول یا افراد طولی آن را قیمی می‌دانند، جبران کاهش ارزش پول را لازم شمرده‌اند زیرا آنچه به عهده وام‌دار می‌شود، توان خرید و مال بودن پول است، نه ارزش اسمی آن. (محمد مهدی آصفی و آیت‌الله محمد هادی معرفت) و عده‌ای دیگر از فقها نیز با دلایل مختلف قائل به جبران هستند.^(۳۳)

برخی دیگر از صاحب‌نظران، قائل به جبران کاهش ارزش پول از راه مصالحه هستند. برخی از فقها حکم به عدم جواز جبران کاهش ارزش پول کرده‌اند اما جبران کاهش ارزش پول را از راه صلح، به احتیاط حکم کرده‌اند. (آیت‌الله محمد علی گرامی) برخی دیگر، جبران از راه مصالحه را در صورتی دانسته‌اند که زیان ناشی از تورم و کاهش ارزش پول بسیار باشد. برخی دیگر براساس طبیعت وام، وام‌دار را ضامن کاهش ارزش پول نمی‌دانند اما می‌پذیرند که طلبکار، ضمان کاهش ارزش را شرط کند زیرا در این صورت، در واقع ارزش مالیت پول، به عهده وی خواهد آمد. (آیت‌الله جعفر سبحانی)

گروهی نیز در مساله جبران کاهش ارزش پول، میان غصب و غیر آن تفاوت گذاشته‌اند و گفته‌اند هنگامی که وام‌دار، پول کسی را غصب کند و بی‌رضایت طلبکار، دیر بپردازد، جبران لازم است اما دیر پرداخت با رضایت طلبکار، ضمان آور نیست و جبران ندارد. (آیت‌الله صافی گلپایگانی)

برخی نیز مهریه را با موارد دیگر دین، متفاوت دانسته‌اند زیرا گفته‌اند عرف میان این دو، تفاوت می‌گذارد، پس تنها جبران مهریه، ضروری است و عرف نیز از آن پیروی می‌کند.^(۳۴)

به نظر می‌رسد از بین دیدگاه‌های مختلف، نظری منطقی‌تر و قابل پذیرش است که موضوع قرض پول را اسکناس می‌داند، نه قدرت خرید و با توجه به شناخت عرف از پول، قدرت خرید را در صورتی که کاهش آن مربوط به صادرکننده آن باشد در زمره صفاتی می‌داند که تحت ضمان است مگر آنکه اختلاف قدرت خرید در زمان تحقق دین و پرداخت به حدی باشد که عرف تسامح کند و پول زمان تحقق دین و پرداخت را مثل هم بداند و از این حیث، فرقی بین الزامات قراردادی و الزامات خارج از قرارداد وجود ندارد؛ بنابراین چنانچه اسکناس‌های موضوع قرض، تومان است باید قرض به تومان پرداخت شود و

چنانچه تورم منفی باشد مقتضی باید به مانند سایر اموال، اصل مال موضوع ضمان؛ یعنی همان اسکناس‌ها را برگرداند، صرف‌نظر از آنکه قیمت آنها بالا رفته است ولی چنانچه تورم، قدرت خرید پول را کاهش دهد با توجه به اینکه عرف بین پول و سایر اموال قائل به تفاوت است، مقتضی باید پولی را برگرداند که همان قدرت خرید را داشته باشد. در فرض ماده ۶۵۲ ق.م. یعنی فرضی که مقرض دین را از مقتضی مطالبه می‌کند و حاکم به او مهلت می‌دهد و در این مدتی که او مهلت یافته قدرت خرید پول کاهش می‌یابد، مهلت دادن از سوی حاکم به منزله آن است که طرفین قرارداد توافق کرده‌اند مهلت اداء قرض به تأخیر بیفتد. همچنان‌که در این حالت جبران کاهش ارزش پول منوط به تأخیر در پرداخت و شرط جبران کاهش ارزش پول نبود در این حالت هم جبران کاهش ارزش پول، احتیاجی به تأخیر در پرداخت و شرط ندارد؛ چرا که جبران کاهش ارزش پول در واقع اداء مثل پولی است که دریافت شده و سبب آن قرارداد قرض است (ماده ۶۵۰ ق.م). نه قاعده اتلاف، تسبیب یا شروط. با وجود این قانونگذار در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در دعوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه دائن و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت کرده در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر اینکه طرفین به نحوه دیگری مصالحه نمایند». علاوه بر این ماده، همچنین تبصره ماده ۲ قانون صدور چک (مصوب ۱۳۷۶) نظر صاحب‌نظرانی را پذیرفته که پول را مال مثلی به اعتبار ارزش اسمی می‌دانند و کاهش قدرت خرید پول را ضرر و خسارتی می‌دانند که به موضوع قرارداد وارد شده و باید جبران شود؛ لذا در فرضی که مدیون، تأخیر در پرداخت می‌کند و دائن راضی به تأخیر نیست حکم به جبران ضرر کرده اما در فرضی که طرفین خودشان موعد مشخصی را برای اداء دین مشخص کرده‌اند و پول در همان زمان پرداخت می‌شود، دائن به ضرر خود اقدام کرده است و چون قاعده اقدام، حاکم بر قاعده لاضرر است حکم به عدم جبران ضرر داده‌اند. در نتیجه جبران کاهش ارزش پول فقط در صورت وجود شرایط ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. قابل مطالبه است و در فرضی که حاکم، مهلت

می‌دهد چون به منزله آن است که طرفین مهلت ادای دین را به تأخیر انداخته‌اند کاهش ارزش پول قابل مطالبه نیست.^(۳۳)

- ۱- میرجلیلی، حسین، نظری، حسن، پول در اقتصاد اسلامی، ۳۲۵ مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۴-۳۲۵.
- ۲- ایزدی فرد، علی‌اکبر، بهرامی، حسین، مفهوم و ماهیت پول و ضمان مربوط به کاهش ارزش و خسارت تأخیر تادیه در بازپرداخت قرض اسکناس، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، بهار ۱۳۹۱، شماره ۲۷۰، ص ۱۱.
- ۳- دلوودی، پرویز، نظری، حسن، میرجلیلی، حسین، پول در اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۴، ص ۱۵.
- ۴- قدیری اصلی، باقر، پول، مرکز نشر سپهر، تهران، ۱۳۶۶، ص ۸.
- ۵- عبدی‌پور، ابراهیم، تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیک، حقوق خصوصی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۶، ص ۶۰-۶۱.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- ۷- لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیستم، ۱۳۸۸.
- ۸- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی اسلامی تهران، ج ۱، ۱۹۰۱.
- ۹- معروف علی، احمدوند، مروری بر ماهیت‌شناسی پول و دیدگاه فقیهان، فقه، تابستان، ۱۳۸۲، ص ۹۷.
- ۱۰- تذکره الفقهاء، علامه حلی، انتشارات مرتضویه، ج ۱، ص ۴۶۵.
- ۱۱- المیسوط، شیخ طوسی، فصل ما یصح و مالا یصح.
- ۱۲- مجمع الفائده، مقدس اردبیلی، موسسه نشر اسلامی، ص ۵۳.
- ۱۳- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، دارالکتاب الاسلامیه، ج ۲، ص ۳۴۳.
- ۱۴- امام‌خمینی (ره)، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۲۸۳، مساله ۵.
- ۱۵- سیدابوالقاسم الخوئی، توضیح المسائل، انتشارات ایران، مساله ۲۸۴۳.
- ۱۶- معروف علی، احمدوند، قبلی، ص ۱۰۴.
- ۱۷- جعفری لنگرودی، میسوط در ترمینولوژی حقوق.
- ۱۸- جعفری لنگرودی، فرهنگ عناصر شناسی، ص ۱۷۰.
- ۱۹- مطهری، نظری به نظام اقتصادی ایران، ص ۱۷۷، شهیدی، آثار قراردادها و تعهدات، ۲۸۱۳، موسوی بجنوردی، نقش اسکناس در نظام اقتصادی، ص ۶۹، صدر، الاسلام بقود الحیاه، ۲۲۴، ۲۲۵، یوسفی، پول امروز مثلی یا قیمی، ۱۱۳، ۱۱۴.
- ۲۰- ابراهیم، عبدی‌پور، قبلی، ص ۶۵.
- ۲۱- سید محمد حسن علوی، ربا و راهای گریز از آن، قیمی یا مثلی بودن پول.
- ۲۲- سید محمدکاظم یزدی، حاشیه مکاسب، انتشارات اسماعیلیان، ص ۹۶.
- ۲۳- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۸۰، امام خمینی (ره)، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳۲، حر عاملی، مفتاح الکرامه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۶، ص ۲۴۲.
- ۲۴- آخوند خراسانی، حاشیه مکاسب، ص ۳۵، اصفهانی، حاشیه مکاسب، ۳۵۶، ۱، خوبی، مصباح الفقاهه، ۱۵۲۳، حکیم، نهج الفقاهه، ۱۳۹.
- ۲۵- شیخ انصاری این تعریف را از شمار زیادی از فقیهان نقل می‌کند و آن را به مشهور فقیهان نسبت می‌دهد. مکاسب شیخ انصاری، کتاب البیع، ص ۱۰۵.
- ۲۶- سید محمد حسن علوی، قبلی.
- ۲۷- جامع المسائل، فاضل لنکرانی، ص ۲۶۷، پرسش ۱۰۳۱، آیات‌الله طباطبایی یزدی (سوال و جواب، به اهتمام مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، چاپ اول، ۲۷۹). امام خمینی (ره) (استفتائات، جلد ۲، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰)، آیات‌الله خویی (مصباح الفقاهه، ج ۳، چاپ سوم، نشر وجدانی، قم، ۱۵۲) از بین حقوقدانان نیز دکتر ناصر کاتوزیان (حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، اجرای قرارداد، جلد ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۷) به این دیدگاه گرایش دارند.
- ۲۸- معروف علی، احمدوند، قبلی ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲ تا ۱۱۶.
- ۲۹- ایزدی فرد، علی اکبر و قبلی، ص ۱۸.
- ۳۰- هاشمی شاهرودی، محمود، احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت (فارسی)، سال ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴، صص ۶۶-۶۸.
- ۳۱- مصاحبه با محمد مهدی آصفی، محمد هادی معرفت، مجله فقه اهل بیت، احکام فقهی پول، سال سوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۷۵، ص ۹-۴۲.
- ۳۲- احمد علی یوسفی، ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، ش ۱۴/۳۰، قبلی، ۱۶۵.
- ۳۳- عابدینی، احمد، ربا، تورم و زمان، فقه کاوشی نو در فقه اسلامی، ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ۷۳.
- ۳۴- ایزدی فرد، علی اکبر و قبلی، ص ۲۴، ۲۵ و ۲۵.